

میشل فوکو

خاستگاه هرمنوتیک خود

سخنرانی‌ها در کالج دارتموت ۱۹۸۰

ترجمه نیک سرخوش و افشین جهان‌دیده



- سرشناسه: وکو، میشل، ۱۹۲۶-۱۹۸۴ م. Foucault, Michel
- عنوان و نام پدیدآور: خستگاه هرمنوتیک خود: سخنرانی‌ها در کالج دارتموث، ۱۹۸۰ / میشل وکو؛ ترجمه‌ی نیکو سرخوش، افشین جهان‌دیده.
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۵۵.
- مشخصات ظاهری: ۱۸۹ ص.
- شابک: 978-964-185-509-5
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- یادداشت: عنوان اصلی: L'origine de l'herméneutique de ses Conférences prononcées à Dartmouth College, 1980
- موضوع: هرمنوتیک — مقاله‌ها و خطابه‌ها، Hermeneutics — Addresses, essays, lectures
- شناسه افزوده: سرخوش، نیکو، ۱۳۴۶ - مترجم؛ جهان‌دیده، افشین، ۱۳۴۲ - مترجم.
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲ خ ۹ ف/ BD۲۴۱
- رده‌بندی دیویی: ۱۲۱/۶۸
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۶۷۶۲۹

«Cet ouvrage a bénéficié du soutien des Programmes
d'aide à la publication de l'Institut français/ministère
français des affaires étrangères et européennes.»



نشر

سازمان نشریات خود

سخنرانی مادر کالج دارتوت ۱۹۸۰

میشل فو

مترجمان نیکو بخش و امین جهانپنده

چاپ اول تهران ۱۳۹۶

تعداد ۱۵۰۰ نسخه

قیمت ۱۶۰۰۰ تومان

لیتوگرافی باختر

چاپ جباری

صحافی نبوت

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۵ ۵۰۹ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۹	 اختصارات آثار ارجاعی مناسب فکر در این کتاب
۱۳	 دیباچه
۱۷	 پیش‌گفتار
۴۳	 سوژه‌مندی و حقیقت
۸۱	 مسیحیت و اعتراف
۱۲۷	 پرسش و پاسخ در مورد «حقیقت و سوژه‌مندی» (۲۳ به ۲۶ بهر ۱۹۸۰)
۱۷۵	 گفت‌وگوی مایکل بس با میشل فوکو (سوم نوامبر ۱۹۸۰)

دیباجه

کتاب پیش رو ترجمه‌ی دو سخنرانی است که میشل فوکو در هفدهم و بیست و چهارم نوامبر ۱۹۸۰، در سالج ارتعاش^۱ به زبان انگلیسی ایراد کرد. عنوان این سخنرانی‌ها «حقیقت و سوژه‌مندی» و «مسیحیت و اعتراف» است. کمی قبل از آن یعنی در بیستم و بیست و یکم اکتبر در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی و در چارچوب هاوسن یکم روزنامه‌نگار^۲ کو نسخه‌ای اندک متفاوت از همین سخنرانی‌ها را ایراد کرد که عنوان آن «سوژه‌مندی و حقیقت» بود. به تفاوت‌های مهم با نسخه‌ی سخنرانی برکلی اشاره می‌کنیم.^۳

۱. Dartmouth College

۲. Howison Lectures؛ سلسله سخنرانی‌هایی که دوستان و دانشجویان سابق جورج هاوسن (۱۸۳۴-۱۹۱۶) فیلسوف آمریکایی از ۱۹۱۹ به بعد در دانشگاه برکلی کالیفرنیا برگزار کردند...م.

۳. ترجیح دادیم متفاوت با نسخه‌ی فرانسوی کتاب پیش رو که تفاوت‌ها را در زیرنویس آورده است، این تفاوت‌ها را در خود متن اما با قلمی کوچک‌تر و اگر پاراگراف مستقلی بود با حاشیه‌ی اندکی بیش‌تر آوریم...م.

در این کتاب، دو متنِ مقارن با این سخنرانی‌ها را نیز آورده‌ایم: ترجمه‌ی پرسش‌وپاسخی عمومی به زبان انگلیسی که در ۲۳ اکتبر در دانشگاه برکلی برگزار شد و در آن فوکو برخی از درون‌مایه‌های طرح‌شده در این سخنرانی‌ها را تکرار می‌کند و به پرسش‌هایی در مورد کارهایش پاسخ می‌دهد و نیز گفت‌وگویی که به زبان فرانسوی در سوم نوامبر با مایکل پس انجام می‌شود و نسخه‌ی انگلیسی آن چاپ شده است.

متن سخنرانی‌ها در کالج دارتموت مبتنی است بر نسخه‌برداری تامس کین^۱ و ماری بلاسیوس^۲ که نسخه‌ای از آن به انستیتو مِمونار دو لِدیسیون کُونتامپورین سپرده شده است. البته چند اشتباه نسخه‌برداری تصحیح شده است.

متن سخنرانی‌های برکلی پرسش‌وپاسخ مبتنی است بر ضبط‌هایی که در مرکز منابع رسانه‌ای کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا در برکلی موجود است. نسخه‌برداری از ضبط پرسش‌وپاسخ را دیوی تاملینسن^۳ انجام داده است. متن گفت‌وگو مبتنی است بر ضبطی که نسخه‌ای از آن به انستیتو مِمونار دو لِدیسیون کُونتامپورین سپرده شده است.

متن‌ها با بیش‌ترین دقت ممکن مویه‌مو پیدا شده‌اند. فقط در صورت اقتضا برخی از تکرارها یا برخی از تردیدهای فوکو هنگام جست‌وجوی کلماتش در بحث به زبان انگلیسی را حذف کرده‌ایم زیرا که به سبب نادرست را تصحیح کرده‌ایم. هنگامی که ضبط چندان رسا نبود، افزوده‌ها

1. Thomas Keenan

2. Mark Blasius

3. L'Institut mémoires de l'édition contemporaine (IMEC).

4. Davey K. Tomlinson

و حدس و گمان‌ها را داخل قلاب آورده‌ایم. همچنین تصمیم گرفتیم در پرسش و پاسخ و گفت‌وگو، پرسش‌ها را خلاصه کنیم و مکالمات بی‌ربط با موضوع را حذف کنیم.^۱

مطابق پیشنهاد خود فوکو در سخنرانی ۲۰ اکتبر (ن.ک.: ص ۶۰) و همان‌گونه که پیش از ما ناشران آمریکایی و ایتالیایی سخنرانی‌های کالج دارتموث انجام داده بودند، عنوان *خاستگاه هرمنوتیک خود* را برای این مجموعه انتخاب کردیم تا اجتناب کنیم از احتمال خلط‌شدن با درس‌گفتار فوکو در ولژ دو رانس طی ۱۹۸۰-۱۹۸۱ که عنوان آن همانند سخنرانی‌ها در برکلی «سرزه»^۲ و «حقیقت»^۳ است.

از ژان-فرانسوا برنشتاین^۴، آ. نولدای^۵، دیویدسن^۶، دانیل دُفر^۷، فرانسوا اولده^۸ و فردریک گرو^۹ بات‌ها و کمک و مشورت‌هایی که برای چاپ این اثر به ما کردند بسیار تشکر می‌کنیم.

م.پ. فروشو^{۱۰} و د. لورتسینی^{۱۱}

۱. برخلاف متن فرانسوی، ترجیح دادیم بخش بیش‌تری از مکالمات را حذف کنیم.

2. Jean-François Braunstein

3. Arnold I. Davidson

4. Daniel Defert

5. François Ewald

6. Frédéric Gros

7. H.-P. Fruchaud

8. D. Lorenzini

پیش گفتار

یک تبارشناسی سوژه مدرن

میشل فوکو ابتدا دو سخنرانی را با دعوت که تهی برگزاری هاوسن لکچرز در بیستم و بیست و یکم اکتبر ۱۹۷۹ در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی ایراد کرد که در این جا برای نخستین بار ترجمه‌ی فرانسوی‌شان^۱ را ارائه می‌کنیم. به همین مناسبت فقط کمی بیش از هزار «نسخه»^۲ که برای شنیدن صحبت‌های فوکو شتافته بودند توانستند در سخن‌سرخران^۳ جا بگیرند و مابقی بیرون از سالن برای ورود تظاهرات کردند.^۴ در روز بعد از دومین سخنرانی یعنی در ۲۳ اکتبر و همچنان در برکلی فوکو در جریان یک

۱. ترجمه‌ی فرانسوی از نسخه‌ی اصلی به زبان انگلیسی مورد نظر است که «بر مبنای ترجمه‌ی فرانسوی و نیز نسخه‌ی اصلی به زبان انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌ایم» - م.
۲. ن. ک. د. دُفر، «گاه‌شماری» در *Diis et écrits I*, p. 80. در چند کلمه‌ای که فوکو پیش از نخستین سخنرانی بیان کرد، به این وضعیت واکنش نشان داد و از بابت کسانی که نتوانستند وارد سالن شوند و نیز از بابت کسانی که باید به سخنانی گوش می‌دادند که احتمالاً بسیار تفاوت داشت با آنچه انتظار داشتند گله کرد.

پرسش و پاسخ عمومی که ضبط شد به مجموعه‌ای بسیار متنوع از پرسش‌ها پاسخ داد و در سوم نوامبر با گفت‌وگویی کوتاه به زبان فرانسوی با مایکل بس^۱ موافقت کرد و در این گفت‌وگو چند درون‌مایه‌ی اساسی برای کارش را مطرح کرد. سپس به همراه ریچارد سینت^۲ همایشی را در مؤسسه‌ی دانشگاه نیویورک برای علوم انسانی هدایت کرد^۳ و چند روز بعد به کالج رتموت در نیوهمپشر رفت و در هفدهم و بیست و چهارم نوامبر دو سخنرانی برکلم را دوباره و البته با شماری از اصلاحات مهم ایراد کرد. همه‌ی این سخنرانی‌ها در پائیز ۱۹۸۰ و نیز درس افتتاحیه‌ی درس گفتاری که فوئر به ارشد رلوون^۴ ارائه کرد^۵ آغازی مشترک دارند یعنی توصیف کردار درمانی فیلسوفان^۶ روان‌پزشک که با سلسله‌ای از دوش آب سرد، بیمارانش را وادار به اعتراف به دیوانگی‌شان می‌کرد. پس در بطن این کردار، اعتراف به منزله‌ی عملی شده‌ی با امانتی یافت و بیمار به کمک آن و با تأیید «حقیقت» آن چه است («من دیوانه‌ام») خود را مقید به این حقیقت می‌کرد و از دیگری تبعیت می‌کرد و در همان حال نسبتش را با خودش تغییر می‌داد و اصلاح می‌کرد. وانگهی صحنه‌ای مورد نظر است که برای مدت‌های مدید توجه فوکو را جلب کرده بود^۷ و این جا به شیوه‌ای ناملموس^۸ بکار استفاده می‌شود تا پروژه‌ی یک «تبارشناسی سوژه‌ی مدرن»^۹ طرح شود.

t. Michael Boss

2. Richard S. Pett

۳. ن.ک.: میشل فوکو، «سکسوالیته و تنهایی» در *Dits et écrits* II, n° 295, p. 987-997.

4. Louvain

5. Cf. MFDV, p. 1-2.

6. François Leuret (1797-1851)

۷. ن.ک.: همین کتاب، ص ۴۵، زیر نویس ۱.

۸. ن. ک.: همین کتاب، ص ۴۷. هرچند پروژهای تبارشناسی سوژه‌ی مدرن بارها در متون

فوکو توضیح می‌دهد ضرورت نظری و عملی خلاص شدن از فلسفه‌ی سوژه توجیه‌گر چنین تبارشناسی‌ی است، ضرورتی که پس از جنگ جهانی دوم در فرانسه و در تمام اروپای قاره‌ای نمایان شد. اما تبارشناسی فوکویی سوژه‌ی مدرن همچنین نقطه‌ی گسستی است از سایر تلاش‌ها و بدلی برای سایر تلاش‌هایی که برای متمایز شدن از این فلسفه انجام شده است: مارکسیسم، پوزیتیویسم منطقی و ساختارگرایی. پس فوکو با مرور معطوف به گذشته‌ی پژوهش‌هایش بهره‌ای خاص (بهره‌ای نیچه‌ای) از تاریخ می‌برد، بهره‌ای که به او امکان تحلیل فرایندهای شکل‌گیری علمی را داد که «انسان» به مثابه‌ی موجودی سخن‌گو [ناطق]، زنده و کارکن ابژه قرار دادند و نیز تحلیل کردارهایی که در مؤسسه‌هایی نظیر بیمارستان، تیمارستان و زندان استمرار یابند. این کردارها با مفصل‌بندی شدن با نوع خاصی از شناخت، سوژه را به بهره‌ای استیلا بدل کردند و در نتیجه این کردارها باید در میان «تکنیک‌هایی» جای گیرند که در جوامع ما برای تعیین رفتار افراد به کار می‌رود.

فوکو مطرح شده است از جمله در *Le gouvernement des vivants* [در باب حکومت بر زندگان] و در *Mal faire, dire vrai* [بدکردن، گفتن حقیقت]، چهار کتاب تاریخی تحلیل‌های فوکو در این دو کار یکی نیست با چارچوب نظری سخنرانی‌های برنارد و کالج دارتموث. در واقع هدف در کولژ دو فرانسه به روشنی مطالعه‌ی «حکومت بر انسان‌ها» از طریق نمایاندن حقیقت در شکل سوژه‌مندی بود (GV, p. 79)، حال آنکه در *Le gouvernement des vivants* نشان دادن «تاریخی از حقیقت‌گویی‌ها» مدنظر بود تا بتوان تحلیل کرد «چگونه سوژه‌ها با وارد شدن درون شکل‌های حقیقت‌گویی و از طریق این شکل‌ها مقید می‌شوند» (MFDV, p. 9).

۱. فوکو در درس ۲۵ مارس ۱۹۸۱ از درس گفتار سوژه‌مندی و حقیقت در کولژ دو فرانسه این تعریف را از «تکنیک‌ها» ارائه می‌دهد: «[این تکنیک‌ها] رویه‌هایی تنظیم شده و شیوه‌هایی سنجیده به منظور انجام شماری از دگرگونی‌ها روی ابژه‌ای معین [اند]. این

در مسیر همین تحلیل‌هاست که فوکو به پروژه‌اش برای تاریخی از سکسوالیته مبادرت کرد و خیلی زود به ضرورت مطالعه‌ی شکل‌های شناخت پی برد، شناختی که سوژه طی قرن‌ها در مورد خودش و راجع به خودش بسط داده و به‌کار بسته است. بدین‌ترتیب فوکو از ۱۹۸۰ انباری وسیع از پژوهش‌های تبارشناختی را در مورد روابط میان سوژه و حقیقت گشود و در آن نقشی قطعی به «تکنیک‌های خود» داد یعنی به آن تکنیک‌هایی که به افراد امکان می‌دهد شماری از عملیات را خودشان [یا همکیشان/همکران] روی بدن، روح، اندیشه و رفتارشان انجام دهند به‌طوری که خودشان را دگرگون کنند و تغییر دهند و به وضعیت کمال و سعادت و پاکی و ... و ... و ... و غیره برسند.^۱

در این خط سب، ۹۸۰ سالی کلیدی و نقطه‌ی عطفی تمام‌عیار است درواقع در درس‌گفتار باب پنجم بر زندگان در کولژ دو فرانس است که فوکو پروژه‌ی تاریخی از «حال حقیقت» را آماده کرد. این اصطلاح اشاره دارد به «سهم سوژه در رزیه‌های حقیقت‌نمایی»^۲ یا به عبارت بهتر افعال «سنجیده»ی [مربوط به] حقیقت که سوژه ... آن‌ها هم عامل است هم شاهد هم ابژه‌ی نمایاندن حقیقت؛ از لحاظ تاریخی، احوال و احوالات قطعاً ناب‌ترین

دگرگونی‌ها برای اهدافی تجویز شده‌اند که باید از طریق دگرگونی‌ها ... مذکور به‌دست آیند» (SV)، «درس ۲۵ مارس (۱۹۸۱)». ما از فدریک گرو (Fédéric Gros) تشکر می‌کنیم که نسخه‌ای از این درس را که اکنون در حال مهیاسازی پاپ آن است در اختیارمان گذاشت.

۱. ن.ک.: همین کتاب، ص ۵۶.

۲. aléthurgie؛ نوازه‌ای در زبان فرانسوی که فوکو از کلمه‌ی یونانی alethurgos اقتباس کرد یعنی آن‌کسی که حقیقت را می‌سازد. البته فوکو این واژه را در معنای نمایاندن حقیقت به‌کار می‌برد و ما معادل حقیقت‌نمایی را برگزیدیم. -م.

و مهم‌ترین شکل این افعال است.^۱ فوکو تحلیل‌هایش در باب روابط میان سوژه‌مندی و حقیقت را در درس‌گفتار کولژ دو فرانس طی ۱۹۸۰-۱۹۸۱ و در درس‌گفتار بدکردن، گفتن حقیقت بیش‌تر بسط داد اما درکل این میدان پژوهشی تا ۱۹۸۴ همچنان در قلب کار فوکو باقی ماند هنگامی که در «س افتتاحیه‌ی درس‌گفتار شجاعت حقیقت فوکو مطالعه‌ی شکل‌های حقیقت‌نمایانه»^۲ یعنی شکل‌های تولید و نمایاندن حقیقت را در تقابل قرار می‌دهد با «تألیف» «معرفت‌شناختی» ساختارهای گفتمان‌های متفاوتی که خود را گفتمان‌های صادق و حقیقی نشان می‌دهند و به‌منزله‌ی گفتمان‌های صادق و حقیقت‌پذیرفته می‌شوند.^۳

با این‌حال همان‌گونه که مثال [دکتر] لوره و بیمارش به‌روشنی نشان می‌دهد، تولید گفتمان حقیقت که، وژه در مورد خودش انجام می‌دهد هم ابزار سوژه‌شدن^۴ است هم ابزار سوژه‌نقلا سازی^۵ یعنی یکی از شکل‌های اصلی اطاعت ما. فوکو قبلاً این نکته را به‌هنگام تحلیل قدرت شبانی در درس‌گفتار امنیت، سرزمین، جمعیت اظهار کرده بود. آن‌جا که بعداً مفهوم «هدایت»^۶ را وارد کرد، مفهومی که با دوپهلوس (تألیف) (هدایت‌شدن به‌مدد دیگران/خود را هدایت‌کردن)^۷ رابطه‌ی خود با خود را به‌منزله‌ی مکان تعیین‌کننده‌ی مفصل‌بندی تکنولوژی‌های قدرت و گفتمان‌های مقاومت

1. GV, p. 79-80.

2. aléthurgique

3. CV, p. 4-5.

4. subjectivation

5. assujettissement

6. conduite: رفتار. -م.

7. être conduit par les autres / se conduire soi-même

نشان داد.^۱ فوکو در برکلی و در کالج دارتموت این ایده‌ها را تکرار کرد و تصدیق کرد که «حکومت نقطه‌ی تماسی» است «که در آن [شیوه‌ای که] دیگران افراد را هدایت می‌کنند مفصل‌بندی می‌شود با شیوه‌ای که افراد خودشان را هدایت می‌کنند»^۲ و دقیقاً با همین تعریف از حکومت به منزله‌ی توازی بی‌ثبات [...] میان تکنیک‌های تضمین‌کننده‌ی اجبار و فرایندهایی که فرد خودش را برمی‌سازد یا اصلاح می‌کند»^۳، فوکو فضایی مفهومی را می‌گشاید که بر ریشه‌اش برای یک تبارشناسی از سوژه‌ی مدرن غرب را در آن می‌گذارد.

بدین ترتیب، در سخنرانی که این جا ارائه می‌کنیم مرتبط است با مطالعه‌ی کردار آزمون^۴ و اعتراف نیست در مکاتب فلسفی یونان و روم باستان و سپس در مسیحیت قرن اول برای آن‌که دگرگونی‌های بنیادینی را برجسته کنیم که حاکی از گذاری است از اصل قدیمی دلفی «خودت را بشناس» (*gnôthi seauton*) به حکم راه‌پای «تمام افکار» را به مرشد معنویات اعتراف کن» (*omnes cogitationes*).^۵ این سخنرانی نسبتاً منحصر به فرد به نظر می‌رسد چون تحلیل تکنیک‌های باستانی خود و تحلیل تکنیک‌های مسیحی خود وزن و اهمیت یکسان جزئی مستقل از یکدیگر

۱. Cf. S. ۲۰۰, ۱۸۸, ۱۹۶-۱۹۷.

۲. *se conduire*: رفتار کردن، هدایت شدن، خود را هدایت کردن. بنابراین آن جمله را این چنین نیز می‌توان خواند: «شیوه‌ای که افراد رفتار می‌کنند».-م.

۳. ن.ک.: همین کتاب، ص ۵۸. فوکو در پرسش و پاسخ عمومی که بعد از سخنرانی‌هایش در برکلی انجام شد، همین ایده را تکرار می‌کند و از نوعی «اتکای متقابل» تکنیک‌های خود و شیوه‌ی حکومت‌شدن صحبت می‌کند (ن.ک.: همین کتاب، ص ۱۵۳).

۴. *examen*: آزمودن و واریسی کردن.-م.

دارند، بی‌آن‌که اولی مطابق با دومی یا در پرتو دومی بررسی شود (آن‌گونه که در درس گفتار امنیت، سرزمین، جمعیت انجام شد یا در درس گفتار در باب حکومت بر زندگان) یا برعکس (آن‌گونه که فوکو در درس گفتارهای بعدی در کولژ دو فرانس انجام داد).

سوره نبی و حقیقت در یونان و روم باستان

هدف اصلی «العهد» تکنیک‌های باستانی خود (به‌ویژه تکنیک آزمون خود و هدایت وجدان) که فوکو در نخستین سخنرانی پیش می‌برد نشان‌دادن آن است که در یونان و روم باستان هرمنوتیک سوره وجود ندارد و در نتیجه همان‌گونه که در دومین سخنرانی توضیح می‌دهد هرمنوتیک سوره «ابداعی» نوعاً مسیحی است. در واقع در بطن مکاتب فلسفی باستان اجباریه گفتن حقیقت در مورد خود جای کمی نسبتاً کم‌اهمیت و ناچیز داشت چون هدف این مکاتب بیشتر دگرگون کردن فرد بود، دگرگونی از طریق فعال‌سازی مجموعه‌ای از تعالیم درین فرد به منظور ارشاد رفتار او در تمامی وضعیت‌های زندگی و امکان رساندن به «اماری» از اهداف: تسلط بر خود، آرامش روح، پاکی و خلوص بدن و روح. پس علی‌هذا پس کم‌تر بر به‌زبان‌آوری مرید تأکید می‌شد و بیش‌تر به گفتن مرشد تأکید می‌شد و رابطه‌ی مرید و مرشد کاملاً موقتی و برخاسته از اعتبارات بود: رابطه‌ای موقتی مورد نظر بود که هدف آن رساندن فرد هدایت‌شده به درجه‌ای از استقلال بود و به محض دستیابی به این نتیجه متوقف می‌شد. در نتیجه ضرورتی نداشت که فرد مبادرت به کاوش تحلیلی خود کند یا حقیقتی پنهانی از خود را به دیگری ارائه دهد.

در سخنرانی‌های فوکو که این‌جا ارائه می‌کنیم برخلاف آن‌چه در کولژ

دو فرانس انجام داده بود یا آنچه بعداً در لوون انجام داد^۱ فوکو برای توضیح ویژگی آزمون در یونان و روم باستان تصمیم می‌گیرد رجوع به آزمون فیثاغوری وجدان را از قلم بیندازد و فقط تمرکز کند بر سومین کتاب خشم از سنکا. فوکو با تحلیل فشرده‌ی واژگان [سنکا] این نکته را برجسته می‌کند که سنکا کم‌تر واژگانی قضایی^۲ به‌کار می‌برد، واژگانی با پیش‌فرض صحنه‌ای که در آن سوژه در مورد خودش هم قاضی است هم هم‌زمانه بیشتر از واژگانِ بازرسِ اداره‌ی اموال منقول و غیرمنقول را به‌کار می‌برد. بر آن‌ها اعتراف به خطا یا وضع کردن مجازات‌ها بلکه فهمیدن «خطاها» بی‌بند است که در مورد اهداف و قواعد رفتاری مرتکب می‌شویم، اهداف و قواعد رفتاری که برای خودمان وضع کرده بودیم تا دوباره این خطاها را تکرار نکنیم. پس این قصور در اجرای عملی برخی از چارچوب‌های عمل ایجاب می‌کند که فرد اعمالش را به‌یاد آورد و اصول عقلانی رفتار را دوباره فعال سازد تا بهترین سازگاری را میان وسایل و اهداف برقرار کند.

فوکو در سال‌های بعد چندین بار و در رویت‌هایی متفاوت و با لحن‌هایی همواره ویژه به این تحلیل از سومین کتاب خشم باز می‌گردد.^۳ با این‌همه در برکلی و در کالج دارتموت پس از رسمیت ویژگی‌های آزمون خود که سنکا توصیف می‌کند، تمرکز می‌کند بر *expositio animae*^۴ در بطن هدایت وجدان در عهد باستان. بدین ترتیب فوکو برای نخستین بار

1. Cf. GV, p. 232-241 et MFDV, p. 92-97.

2. juridique / juridical

۳. ن.ک.: همین کتاب، ص ۶۳، زیرنویس ۲ و ص ۶۴، زیرنویس ۱.

۴. شرح نفس. - م.

قرائتِ خشم را همراه می‌کند با تحلیل متن دیگری از سنکا یعنی آرامش روح^۱ که فرصت نیافته بود در کولژ دو فرانس از آن صحبت کند، هرچند در دست‌نوشته‌ای که برای درس‌گفتار آماده کرده بود به آن اشاره کرده بود.^۲ به علاوه فوکو شاکله‌ی استدلالی مشابهی را در لوون از سر می‌گیرد و آن‌جا در ۲۹ آوریل ۱۹۸۱ این دو متن از سنکا را مطالعه می‌کند تا «دو سنکا مهم»ی را بررسی کند که رویه‌های حقیقت‌گویی و کشف و نمایاندن حقیقت خود در کردارهای فلسفی باستان یافتند.^۳

پس هدایتِ وجدانِ چارچوب تحلیل فوکو از آرامش روح است و حتا در این مورد *verum propter* یعنی «گفتن حقیقت» سرنیوس [دوست سنکا] نیز هیچ ربطی به اظهارِ یثیسه‌های پنهان یا امیال شرم‌آور ندارد. گرچه ممکن است امروز همه‌ی سرنیوس به سنکا در آغاز متن [آرامش روح] در واقع نوعی اعتراف خراشیده سود که هدایت‌گرش را خطاب قرار می‌دهد تا عمیق‌ترین رازهای روحش را برای او افشا کند، فوکو برعکس در تأویلش از این کار نشان می‌دهد از کردار اعتراف در معنایی که ما امروزه از آن می‌فهمیم خبری نیست. سرنیوس نه اندیشه‌های پنهانش را برای سنکا افشا می‌کند نه می‌کوشد «خطاها»ی ارتکابی‌اش را نشان دهد و اظهار کند. بلکه از سنکا اندرزهایی را می‌طلبد که بناسد و کمک کنند به رفتار روزمره‌اش سمت و سویی تازه دهد و مطابقتی را بیند میان شیوه‌ی زندگی‌اش و مجموعه‌ای از اصول فلسفی و اخلاقیاتِ ارائه‌شده، مطابقتی که او اغلب در مواجهه با رویدادهای بیرونی یا با جاه‌طلبی‌های

1. *De tranquillitate animi*

2. Cf. GV, p. 215.

3. MFDV, p. 92.

دنیوی که حواس او را از هدف راستینش یعنی آرامش روح پرت می‌کند فراموش می‌کند.

پس کمکی که سنکا در مقام هدایتگر وجدان می‌تواند به سرنیوس کند نه در واقع نظریه‌ای فلسفی است نه صرفاً یادآوری تعالیمی اخلاقیاتی که باید دنبال کند بلکه از دید سنکا این کمک این است که چیزی بیفزاید بر شناخت صرف از اصول عقلانی عمل — شناختی که سنکا از آن برخوردار است — تا این شناخت را به شیوه‌ای تمام‌عیار از زندگی بدل کند. به بیانی دیگر هدف آستان سنکا بدل کردن اصول نظری به «نیروی ظفرمندانه» است و ردن نگاه به «حقیقت به منزله‌ی نیرو». فوکو با همین عبارت که یکی از مناصب رفیع‌ترین جنبه‌های سخنرانی برکلی و کالچ دارتموت است به مجموعه‌ای از بزرگم‌های شاخص نسبت میان سوژه‌مندی و حقیقت در روزگار باستان روشن می‌کشد، ویژگی‌هایی که این نسبت را اساساً متمایز می‌کنند از سحلی که این نسبت در بطن مسیحیت و در دوران مدرن می‌یابد.

فوکو توضیح می‌دهد که اولاً این حقیقت بر بنای تطابق با واقعیت تعریف نمی‌شود بلکه نیرویی تعریف می‌شود که متیّد به خود اصول است و از طریق یک گفتمان نمایان می‌شود. ثانیاً این حقیقت در واقع شناخت نیست بلکه برعکس پیش روی فرد است نظیر نوعی «نیروی طبیسی» که او را به سوی هدفی خاص می‌کشانند. ثالثاً این حقیقت نه از طریق حاشا تحلیل‌ی خود بلکه بیش‌تر از طریق استدلال‌ها و اثبات‌ها و مثال‌های قانع‌کننده و توضیحات بلاغی یک مرشد به دست می‌آید. و رابعاً این حقیقت دارای اثرهایی فردیت‌ساز نیست، اثرهایی منتج از کشف برخی از ویژگی‌های

شخصی سوژه، برعکس این حقیقت سوژه را بدل می‌کند به گره‌ای که در آن شناخت و اراده بلا انفصال به یکدیگر وصل می‌شوند. بدین ترتیب این «حقیقت به منزله‌ی نیرو» همچنان در چارچوب آن چیزی باقی می‌ماند که یونانیان «*gnômê*»^۱ می‌نامیدند: «عبارتی کوتاه که با آن حقیقت با تمام قوا ظاهر می‌شود» و با بدل کردن فرد به سوژه‌ی هم شناخت هم اراده «در روح افراد»^۲ تنگ می‌اندازد. بدین ترتیب فوکو در برکلی می‌تواند نتیجه بگیرد: «زمن خود را اعتراف در یونان و روم باستان نسبت میان مرشد و مرید را به منزله‌ی یک «بازی حقیقت» ساختار می‌بخشد که هدف آن نه کشف حقیقت پنهان در اعماق سوژه بلکه بدل کردن سوژه به مکانی است» که در آن حقیقت بتواند پدیدار شود و به منزله‌ی نیرویی واقعی عمل کند».^۳

جا دارد یادآور شویم که این بسط «حقیقت به منزله‌ی نیرو» نه در تحلیل آرامش روح دیده می‌شود که فوکو در ۲۹ آوریل ۱۹۸۱ در لوون ارائه داد^۴ نه در درس گفتار ۱۶۸-۱۹۸۱ در کولژ دو فرانس. با این حال در درس ژانویه‌ی ۱۹۸۲ به نظر می‌رسد فوکو همین توان دگرگون کردن را که در آرامش روح ویژگی «حقیقت به منزله‌ی نیرو» است در سیمای عمومی فیلسوف جا می‌دهد، فیلسوفی که در مقام مرشد «تصاحب اصلاح فرد و شکل‌گیری فرد در مقام سوژه است»^۵. وانگهی درون همین چارچوب است

۱. اتحاد معرفت و اراده. - م.

۲. همین کتاب، ص ۷۷.

۳. ن. ک.: همین کتاب، ص ۷۶.

4. *CF. MFDV*, p. 97-101.

۵. *HS*, p. 125. فوکو در درس دهم فوریه‌ی ۱۹۸۲ با استفاده از اصطلاحی از پلوتارخس تصریح می‌کند که در چارچوب زهد فلسفی باستان آنچه تعیین‌کننده است ویژگی «*éthopoïétique*» یا نه‌ی دانش است: هنگامی که دانش به شیوه‌ای عمل می‌کند که قادر